

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: جهانگیر  
۱۲ اپریل ۲۰۱۱



## دولت امریکا و رهبری مجاهدین در کمپ اشرف

### در حاشیه حمله ارتش عراق به مجاهدین

برهان عظیمی در تاریخ شنبه، ۰۹ اپریل ۲۰۱۱

پنج ماه پیش رهبری مجاهدین (با حضور خانم مریم رجوی) با بخشی از هیأت حاکمه امریکا- نیویک ها- در پاریس کنفرانسی گذاشته و مقامات با نفوذ دولت امریکا از گزینه مجاهدین به عنوان "تنها آلترناتیو موجود در ایران"، و اینکه گویا "اشرفیان، شما قلب ایران آینده هستید، کلید آن در دست شماست" بر راستای سیاست "بسط دموکراسی" بخشی از هیأت حاکمه امریکا برای "تغییر رژیم" سخن گفتند.

کنفرانس "بین المللی پاریس" تحت عنوان "کمپ اشرف و سیاست در باره ایران" از ۲۰ تا ۲۲ دسمبر ۲۰۱۰ برگزار شد.

در پرتو چنین سیاستی امروز باید پرسید که برآستی مسؤولیت فاجعه کشتار کمپ اشرف در عراق بر عهده چه جریانی است؟

بیشک این اولین بار نیست که ارتش ارتجاعی عراق در زمان ورود وزیر دفاع امریکا -رابرت گیتس- به عراق به مجاهدین حمله می کند. شکی نیست این جنایت علیه بشریت شدیداً محکوم است. دولت عراق مسؤول جان افراد مستقر در کمپ اشرف است و باید به این جنایت هولناک خاتمه دهد .

اما نباید فراموش کرد که حمله ارتش عراق به کمپ اشرف در زمانی انجام شده است که رابرت گیتس وزیردفاع امریکا وارد عراق شده است. زمانیکه به خبر ورود رابرت گیتس به عراق در روز ۵شنبه ۷ اپریل ۲۰۱۱ توجه کنیم بی شک پی می بریم که این حملات با توافق و چراغ سبز نشان دادن هیأت حاکمه به عنوان حافظ منافع ستراتیژیک نظام سرمایه داری-امپریالیستی امریکا به پیش رفته است؛ و خلاف برخی از متوهمین نسبت به امیال این دشمن شماره یک بشریت، این حملات آنچنان هم با "سکوت" امریکا در مورد "حقوق بشر" مجاهدین به پیش نرفته است، بلکه زمانی این حملات ضد بشری شروع گشت که رابرت گیتس وزیر دفاع دولت متجاوز امریکا در ۷ اپریل در عراق بود. به لینک خبر زیر توجه کنید:

### U.S. Defense Secretary Robert Gates' visit to Iraq likely his last

۱۲:۰۸ PM, Apr ۷, ۲۰۱۱

<http://www.todaysthv.com/news/article/۱۵۲۴۴۱/۲۸۸/Gates-visit-to-Iraq-likely-his-last>

حال به خبر ورود رابرت گیتس در ۲۹ جولای ۲۰۰۹ که باز به کمپ اشرف حمله شده بود توجه کنید: در ۳۰ جولای ۲۰۰۹ یک روز بعد از آنکه رابرت گیتس وزیردفاع امریکا وارد عراق شد نیروهای ارتش عراق به کمپ اشرف حمله کردند به خبر نیویورک تایمز در سال ۲۰۰۹ در لینک زیر توجه کنید:

### Gates Sees Faster Iraq Troop Pullout

<http://www.nytimes.com/۲۰۰۹/۰۷/۳۰/world/middleeast/۳۰military.html>

سؤال اساسی این است که: چرا هر زمان که رابرت گیتس وزیر دفاع دولت امریکا وارد عراق می شود به مجاهدین حمله می شود؟ آیا بین ورود رابرت گیتس به عراق و حمله به کمپ اشرف ارتباطی نیست؟ آیا این فقط یک "تصادف نامیمون" است؟

بر مبنای شواهد غیر قابل کتمان این حمله با توافق هیأت حاکمه امریکا انجام شده است. سیاست غالب و مورد پذیرش هیأت حاکمه امریکا در قبال مجاهدین سیاست هویج و چماق، سیاست بازیچه قرار دادن و استفاده از مجاهدین به عنوان یک گزینه در زد و بندهای آشکار و نهانش با سران جمهوری اسلامی است. بنا بر این در مورد نقش امپریالیسم امریکا در زد و بند با سران جمهوری اسلامی نباید کوچکترین ابهام به خود راه داد.

سیاست غالب بر هیأت حاکمه امریکا (در برگیرنده جناح های حزب جمهوری خواهان و دمکرات است) کنار آمدن و سازش با جمهوری اسلامی و حفظ چنین رژیم بنیادگرای مذهبی اسلامی است .

اما به راستی مجاهدین که خود را "تنها آلترناتیو" در مقابل "تغییر رژیم" در ایران می دانند، چرا به قیمت کشته شدن بخشی از اعضای خود بر ماندگاری شان در کمپ اشرف واقع در شمال عراق پافشاری می کنند؟ چرا رهبری مجاهدین حاضر شده است که خود را به عنوان بازیچه ای در خدمت نیات پلید هیأت حاکمه آمریکا قرار دهد؟

برای پاسخ به این سؤال بهتر است که به بحث ها و نقطه نظرات مطرح شده در کنفرانس بین المللی پاریس مراجعه کنیم.

متن کوتاه زیر در تاریخ بیست و ششم دسمبر ۲۰۱۰ نوشته شده است.

\*\*\*\*\*

**چه جریانی می خواهد با خیانت به منافع زحمتکشان ایران و با اتکاء به راهکار ارتجاعی امپریالیستها تغییر رژیم دهد ؟**

**توطئه مشترک سازمان مجاهدین خلق و سران امپریالیستی نیوکانه‌های امریکا علیه زحمتکشان ایران را در هم شکنیم!**

گزارش کنفرانس بین المللی پاریس ، کمپ اشرف و سیاست در باره ایران با حضور مریم رجوی و نیوکانه‌های امپریالیسم امریکا از جمله تام ریچ (جمهوریخواه و وزیر امنیت داخلی امریکا در زمان بوش پسر ۲۰۰۳-۲۰۰۵)، رودی جولینانی شهردار سابق نیویورک، مایکل موکیزی وزیر دادگستری امریکا(۲۰۰۷-۲۰۰۹)، خانم فرانسیس تاونزند مشاور رئیس جمهور امریکا در امور امنیت داخلی و تروریسم ۲۰۰۸-۲۰۰۴، و دیگر شخصیت های دول امپریالیستی اروپا وووو؛ و

اعلام پشتیبانی سران برجسته نیوکانه‌های فاشیست امریکا از گزینه مجاهدین برای تغییر رژیم در ایران .

در این کنفرانس همه نیوکانه‌های فاشیست امریکا در پشتیبانی از گزینه مجاهدین خلق برای تغییر رژیم در ایران متفق القولند و از جمله تام ریچ در این زمینه اعلام نمودند که:

" سازمان مجاهدین خلق یک سازمان تروریستی نیست... بلکه یک سازمان طرفدار آزادی و حقوق بشر است... و امریکا باید از آن پشتیبانی نماید." خانم فرانسیس تاونزند در این مورد می گوید :

" ما نه تنها باید شما - مجاهدین خلق- را از لیست خارج کنیم، بلکه باید تمامی محدودیتهای ناشی از لیست گذاری را حذف کنیم" ایشان در ادامه خطاب به اشرفیان می گوید که:

"اشرفیان، شما قلب ایران آینده هستید، کلید آن در دست شماست. اشرف کلید برگرداندن یک فرهنگ بزرگ و میراث تاریخی یک ایران بردبار و صلح جو است".وووو

برهان عظیمی

یکشنبه، دسمبر ۲۶، ۲۰۱۰

برای دیدن ویدیو کنفرانس بین المللی پاریس به لینک زیر مراجعه کنید: این ویدیو با زیر نویس فارسی قابل دیدن می باشد :

[http://besoyepirozi.com/index.php?option=com\\_content&view=article&id=۱۰۲۹۸%۳A۱۳۸۹-۱۰۰۲-۲۱-۱۰-۲۴&catid=۲۷۷%۳A۱۳۸۹-۰۸-۲۳-۱۹-۱۸-۰۶&Itemid=۶۸۰](http://besoyepirozi.com/index.php?option=com_content&view=article&id=۱۰۲۹۸%۳A۱۳۸۹-۱۰۰۲-۲۱-۱۰-۲۴&catid=۲۷۷%۳A۱۳۸۹-۰۸-۲۳-۱۹-۱۸-۰۶&Itemid=۶۸۰)

## گفتگوی سیمون هرش و اسکات رایتر



سیمون هرش: موساد ( سازمان جاسوسی اسرائیل) در سال ۲۰۰۲ موفق به کسب اطلاعاتی از تونل های اتمی ایران در منطقه نطنز شد. آنها خود این گزارش را منتشر نکردند (تا عمق نفوذ جاسوسی شان در حساس ترین ارگان های جمهوری اسلامی مانند تشکیلات اتمی مشخص نشود) بلکه آن را در اختیار سازمان مجاهدین خلق گذاشتند تا به عنوان افشاگری یک سازمان اپوزیسیون ایرانی پخش شود. این گزارش و افشاگری، سرآغاز آماده سازی افکار عمومی امریکا برای حمله به این کشور بود

از یک نشست مشترک که به بهانه انتشار کتاب جدید "اسکات رایتر" با عنوان "هدف ایران" در امریکا تشکیل شده بود، یک برنامه یکساعته شنیداری روی سایت "گلوبال" منتشر شده است. در این نشست، که اسکات رایتر بارزس سازمان ملل در امور سلاح های اتمی در زمان کلینتون- رئیس جمهور سابق امریکا در حزب دمکرات، سیمون هرش خبرنگار مشهور امریکائی، یک ژنرال امریکائی و تعدادی سؤال کننده حاضر در سالن حضور داشته اند، مسائل مهمی را در ارتباط با حمله به ایران طرح شده است. این جلسه در جامعه نیویورک برای اخلاق فرهنگی- ۱۶ اکتبر- انجام شده است

برخی سایت های خبری ایران، گزیده هایی از این برنامه یکساعته و نیمه را درج کرده اند که کاملا درجهت سیاست عمومی حاکمیت کنونی برای نفی امکان حمله به ایران و یا بخش هایی از سخنان "اسکات رایتر" در تأیید سفر بی دردسری به ایران و یا حتی دموکراسی حاکم در ایران است! بی شک این خلاصه گزین شده از فیلتر سانسور جنگی حاکم در جمهوری اسلامی گذشته است، والا یکی دوتا از این سایت ها اگر می توانستند قطعا آن بخش های اساسی این جلسه را نیز منتشر می کردند.

دو مترجم و همکار پیک نت، در ایران و امریکا- در دو روز گذشته این برنامه را شنیده و گزارش مشترکی را از آن استخراج کرده اند که تفاوت بسیار با آنچه که سایت ایران منتشر کرده اند، دارد. این گزارش را می خوانید:

**سیمون هرش:** موساد ( سازمان جاسوسی اسرائیل) در سال ۲۰۰۲ موفق به کسب اطلاعاتی از تونل های اتمی ایران در منطقه نطنز شد. آنها خود این گزارش را منتشر نکردند (تا عمق نفوذ جاسوسی شان در حساس ترین ارگان های جمهوری اسلامی مانند تشکیلات اتمی مشخص نشود) بلکه آن را در اختیار سازمان مجاهدین خلق گذاشتند تا بعنوان افشاگری یک سازمان اپوزیسیون ایرانی پخش شود. این گزارش و افشاءگری، سرآغاز آماده سازی افکار عمومی امریکا برای حمله به این کشور بود

**اسکات رایتر:** اسرائیل مشکل خود با فلسطینی ها و حزب الله لبنان را به ایران وصل کرده و به این ترتیب، جمهوری اسلامی را خطر اصلی و دشمن خود و امریکا در منطقه تبلیغ می کند. اسرائیلی ها چنان مسأله اتمی ایران را بزرگ کرده اند که مسأله فلسطین به تدریج به حاشیه رانده شده است. در خود امریکا نیز، طرح جدید قرن امریکا، توسط نئومحافظه کاران پیش از روی کار آمدن کلینتون تهیه شده بود. در این طرح تغییرات مهمی برای خاورمیانه پیش بینی شده بود. بنابراین، آنچه امروز شاهدش هستیم، پیشینه ای ۱۲ ساله دارد. اگر کلینتون و دمکرات ها روی کار نیامده بودند، همان ۱۲ سال پیش طرحی که امروز بوش دنبال می کند به اجراء گذاشته شده بود. ۱۱ سپتمبر برای همراه کردن افکار عمومی با این طرح نئومحافظه کاران بود.

**سیمون هرش:** دلم می خواهد سؤال کنم که با وجود آنکه تهاجم امریکا به عراق با ناکامی همراه شده و حتی شکست خورده، هنوز بوش طرح خود را برای خاورمیانه دنبال می کند؟

**رایتر:** بوش به تنهایی در این مورد پیش نمی رود. علاوه بر واقعه ۱۱ سپتمبر که نقش مهمی در شکل بخشیدن به افکار عمومی برای سیاست های نئومحافظه کاران داشت، اکثریت کنگره امریکا نیز در اختیار جمهوریخواهان و نئومحافظه کاران قرار گرفت. اسرائیل نیز پشت همین سیاست قرار گرفت. به سخنرانی "المرد" نخست وزیر اسرائیل در کنگره امریکا اگر گوش کنید، شباهت های آن را در مقایسه با سخنان بوش متوجه می شوید. او (با توجه به وزنی که اسرائیل در امریکا دارد) در کنگره امریکا ایران را نه تهدیدی جدی برای اسرائیل، بلکه برای امریکا معرفی کرد. (در واقع تعیین سیاست برای امریکا)

بدین ترتیب است که کنگره دست بوش را برای حمله به ایران بازگذاشت. واقعیت اینست که افکار عمومی امریکا از سال ۷۹ به بعد، نسبت به ایران منفی است. اخبار منفی در مورد ایران مرتب آنالیز می شود و افکار منفی در رسانه ها دامن زده می شود. بنابراین، به نظر من تنها یک معجزه می تواند جهت گیری کنونی کنگره امریکا در حمایت از بوش را تغییر دهد. شاید انتخابات ماه نومبر کنگره چنین موقعیتی را پیش آورد. من می گویم شاید، زیرا به نظر من حتی اگر نئومحافظه کاران هم در انتخابات کنگره امریکا نتوانند اکثریت جمهوریخواه در کنگره را حفظ کنند، تغییرات مهم و دگرگون کننده ای در برنامه حمله به ایران اتفاق نخواهد افتاد، زیرا در این مورد دمکرات ها و جمهوریخواهان مواضع مشترک دارند

در این مورد باید ابتداء برخی خوش باوری ها را کنار گذاشته و نفی کرد. از جمله این که وقتی برخی رسانه ها می نویسند ۶۵ در صد امریکائی ها مخالف جنگ عراق اند و یا باجنگ در عراق مخالف اند، آنها همه حقیقت را نمی نویسند. حقیقت اینست که این ۶۵ درصد امریکائی با جنگ در عراق مخالف نیستند، بلکه مخالف شکست امریکا و یا دست نیافتن نیروهای نظامی امریکا در یک جنگ برق آسا در عراق اند. آنها فکر می کنند امریکا به

زودی عراق را از دست می دهد. همین ۶۵ در صد، به دنبال یک پیروزی سریع دیگر برای امریکا هستند و در پشت تبلیغاتی که این روزها پیرامون ناکامی بوش و امریکا در عراق شاهدش هستیم نقشه جلب موافقت افکار عمومی برای حمله به ایران نهفته است. بوش نیز خود، آماده به خانه آوردن یک پیروزی برق آساست. پیروزی در حمله به ایران. البته معتقدم که مراحل آماده شدن برای این حمله را می گذرانیم. حمله ای که نتیجه انتخابات کنگره امریکا نیز تاثیر چندانی روی آن ندارد

مرحله اول جنگ روانی و آماده سازی افکار عمومی که همانا شکست راه های حل سیاسی است اکنون پشت سر گذاشته شده و پایه های آمادگی افکار عمومی برای حمله به ایران فراهم شده است. شرایط در جهت توجیه یک حمله برق آسا و همه جانبه علیه ایران در امریکا فراهم آمده است

دلیل این تأخیر می تواند آن باشد که دولت بوش هنوز می کوشد خود را دولتی غیر دیکتاتور و تابع کنگره و قوانین نشان بدهد و به همین دلیل هم فکر می کنم برای این حمله سعی خواهد کرد موافقت کنگره را بگیرد. این موافقت البته باید با یک بودجه نظامی همراه شود

**رایتر:** نکته مهم اینست که کسب موافقت کنگره برای حمله به ایران کار چندان دشواری نیست. ما دیدیم که پس از ۱۱ سپتمبر، کنگره چگونه دست بوش را برای مبارزه با تروریسم جهانی در اکتبر ۲۰۰۲ باز گذاشت. آنها صریحا نگفتند که برای حمله به عراق دست بوش را باز می گذارند، بلکه گفتند برای مبارزه با تروریسم جهانی از بوش حمایت می کنند، اما هدف همان حمله به عراق بود

**سیمون هرش:** احتمالا قدرت حمله به ایران دو برابر قدرت حمله به عراق خواهد بود. واقعا بعد از چنین حمله ای، شاهد چه اتفاقی خواهیم بود؟

**رایتر:** ایران از ستراتیژی صدام برای دفع حمله، یعنی درگیر کردن امریکا در خاک عراق استفاده نخواهد کرد. آن ستراتیژی، به هر حال با سقوط رژیم صدام همراه شد. صدام فکر کرده بود جنگ با امریکائی ها طولانی خواهد شد و او خود رهبری این جنگ را به عنوان رئیس جمهور عراق برعهده خواهد داشت. اما این تصورات پوچ بود. با چنین نتیجه ایست که تصور نمی کنم ایران آن ستراتیژی را برای خود در نظر گرفته باشد و خواهد آن را در جریان حمله امریکا به این کشور دنبال کند. ما باید روی ستراتیژی ضربه ای و تخریبی ایران حساب کنیم. یعنی اولین واکنش آنها ضربه به مناطق تولید نفت در منطقه و قطع نفت ایران خواهد بود. در چین شرایطی نه تنها امریکا، بلکه چین و هندوستان هم دچار مشکل خواهند شد. طی دو روز حمله هوائی امریکا به ایران (رایتر اشاره نمی کند که برنامه حمله برق آسا برای دو روز تنظیم شده و یا منظورش دو روز پس از آغاز حملات است) تولید نفت در کشورهای عربی مثل عربستان هم قطع خواهد شد. علی رغم همه این احتمالات ما همچنان برای جنگ به ایران خواهیم رفت. مردم امریکا اطلاعاتشان از وضعیت خاورمیانه و ایران کم است.

**هرش:** بوش حرفی در باره پاکستان اتمی نمی زند و ظاهرا این کشور را رها کرده است. ولی به نظر من دولت پاکستان هم به این فکرمی کند که بعد از ایران نوبت آنها خواهد رسید

**رایتر:** من گفتم، حقیقتی که در مورد ایران باید بدانیم، این است که ایران در ناحیه ای قرار گرفته که تسلط بر آن از اهداف دولت بوش بوده و تاثیر زیادی بر ستراتیژی امنیت ملی برنامه ریزی شده از سوی دولت بوش میگذارد. مطالعه نسخه ۲۰۰۶ ستراتیژی امنیت ملی امریکا که در آن شانزده بار از ایران به عنوان تهدید شماره یک امنیت ملی امریکا نام برده شده است و از جنگ به عنوان یک ابزار قابل قبول جهت پیشگیری از تهدید امنیت کشور یاد

شده است. این تأیید مجددی است بر دکترین دولت بوش در مورد تغییرات بنیادین منطقه ئی، به ویژه در خاور میانه.

هدف نهائی دولت بوش چه در مورد کوریای شمالی و چه در مورد ایران، در آخر بازی تغییر این دو رژیم است، ولی در عین حال شرایط این دو برای امریکا کاملاً متفاوت است و به هیچ عنوان با یکدیگر قابل مقایسه نیستند. کوریای شمالی بدون هیچ پرده پوشی اعلام کرده که قدرت هسته ئی است و هدفش دستیابی به سلاح اتمی است. آنها به هیچ عنوان به قواعد بین المللی تن نداده و این را به دنیا اعلام کرده اند، ضمن اینکه بازرسان سازمان بین المللی انرژی اتمی را نیز از کشورشان اخراج کرده اند. گرچه هنوز بوش مدعی است که آنها بلوف زده اند. در حالی که کوریائی ها فریاد می کشند که ما سلاح اتمی داریم. حالا فشارهای غیر مسؤولانه به کوریای شمالی را در نظر بگیرید. ما در کوریا چه می خواهیم؟ حقوق بشر؟ به نظر من خیر، زیرا امریکا درحال حاضر فقط به تغییر رژیم و تحمیل شرایط به همه جهان است. ما می دانیم که هدف امریکا تغییر رژیم در چین است و کوریای شمالی یکی از گامهای تحقق چنین برنامه ای است.

حالا بازگردیم به مسأله ایران. در مقابل کوریای شمالی، ایران کشوری است که اعلام کرده برنامه تولید سلاح هسته ئی ندارد. اما در حالی که کوریا آزمایش اتمی انجام می دهد، ایران محکوم شده است! بنابراین شرایط ایندو به هیچ عنوان شبیه هم نیست.

در عراق، در حالی که ما می دانیم صدام در سال ۱۹۹۱ کلیه سلاح های غیر متعارف خود را نابود کرده بود، دولت بوش به بهانه وجود انواع سلاح های هسته ئی، شیمیائی و بیولوژیکی و موشک های بالستیک به آن حمله کرد، پس از اشغال عراق معلوم شد همه ادعاهای ما در باره سلاح کشتار جمعی در این کشور بیخود بوده است.

**هرش:** احمدی نژاد درمیان مردم مسلمانان منطقه مطرح است. فرد بی نفوذی نمی توان او را تصور کرد.

**رایتر:** شما به مطبوعات و تلویزیون های امریکا که نگاه کنید متوجه می شوید که مردم امریکا زیر فشار آنها، ایران را با عکس های پسر بچه ای به اسم محمود احمدی نژاد با حرف های احمقانه اش می شناسند. درحالیکه ما باید بدانیم احمدی نژاد عروسکی بیش نیست. بخش عمده قدرت در ایران در دست آقای خامنه ای متمرکز است که از سوی شورای نگهبان پشتیبانی می شود و نیروهای نظامی نیز بخش جداگانه ای از قدرت هستند.

دولت بوش دو سال دیگر بر سر کار است. این دولت برنامه تغییر منطقه خاورمیانه و تغییر رژیم های آن را در سر دارد. سیاستی که نتایج هولناک آنرا در عراق دیده ایم. بوش قبلاً تأکید کرده که مسأله ایران نباید به دولت بعد از وی برسد، ضمن آنکه نباید نقش تحریک کننده اسرائیل را فراموش کنیم. اسرائیل دستیابی ایران به سلاح اتمی را خط قرمز خود می داند و هرگونه فعالیت اتمی از سوی ایران را تهدیدی برای خود تلقی می کند و امریکا را مجبور به اعمال فشار بیشتر بر ایران می کند.

پرواز هواپیماهای امریکائی بر فراز ایران، پرواز هواپیماهای جاسوسی بدون سرنشین در آسمان این کشور، تحریک کردها، آذری ها و حتی تقویت مجاهدین خلق همه از اقدامات سازمان سیا علیه ایران است.

به این ترتیب است که باید گفت، جنگ علیه ایران از مدت ها پیش با اقداماتی نظیر تجاوز به حریم هوائی ایران آغاز شده است و ما با ایران در حال جنگیم و تنها از این پس شاهد آشکارتر شدن این جنگ خواهیم شد. به نظر من دولت بوش می رود تا مرحله بعدی تغییر رژیم در ایران را با استفاده از نیروی نظامی آغاز کند.

در سال ۲۰۰۳ دولت ایران از طریق سفارت سویس یک نامه برای کاخ سفید فرستاد که در آن نه تنها تقاضای برقراری روابط سیاسی با امریکا شده بود بلکه برای نشست صلح با اسرائیل و حل مسائل اتمی ایران نیز پیشنهاد شده بود. این پیام توسط دولت بوش رد شد. بوش آن را رد کرد زیرا برنامه او نه مذاکره؛ بلکه تغییر رژیم ایران است.

**هرش:** آیا اعراب آنقدر از ایران متنفرند که سکوت خواهند کرد؟ دولت بوش معتقد است که اعراب همانگونه که در جریان حمله به عراق سکوت کردند، در حمله به ایران نیز واکنشی نخواهند داشت، به ویژه که رهبران سنی کشورهای عربی از تضعیف یک قدرت شیعه در منطقه استقبال هم می کنند.

**هرش:** الان دیگر به تدریج صحبت نه درباره حمله، بلکه درباره سلاح هائی است که می خواهند در این حمله به کار ببرند است. از جمله سلاح های اتمی.

**رایتر:** بهره گیری از نسل جدید سلاح های اتمی علیه کشور فاقد سلاح اتمی اکنون مطرح است و دولت بوش از این سلاح ها برای حمله به ایران استفاده خواهد کرد.

همانطور که گفتم ایران در ستراتیژی نظامی که برای خود در نظر گرفته سقوط نخواهد کرد؛ بلکه با ضربه به مناطق نفتی وارد عمل خواهد شد. از این مرحله به بعد است که خطر بمباران شدیدتر ایران و استفاده از سلاح های اتمی نسل جدید مطرح است. امریکا با این حمله سعی خواهد کرد ستون فقرات دولت ایران را بشکند. در این مرحله از حملات، از مناطق آذربایجان و شمال ایران نیز عملیات آغاز خواهد شد. هم اکنون یک پایگاه نظامی توسط اسرائیلی ها به کمک یهودیان آذری که به اسرائیل مهاجرت کرده اند در حال ساخته شدن است. این مرحله از حملات اتمی ایران کوچکترین شانسی برای مقاومت نخواهد داشت.

در مورد مخالفت های چین نیز معتقدم رهبران این کشور نقشه های دراز مدت در سر دارند و اساسا طرز تفکر و سیاست چینی ها اینگونه است. آنها در پی دفاع از ایران و یا مخالفت با حمله به ایران نیستند، بلکه به تضعیف رقیب جهانی خود- امریکا- در درازمدت فکر می کنند. در این ستراتیژی، چینی ها فکر می کنند امریکا با حمله به ایران تضعیف می شود و به این ترتیب رقیب تضعیف می شود و جا برای چین بیشتر باز خواهد شد.